

## بررسی شاخصه‌های تعهد اجتماعی در ادبیات

### ۱- وحیده رحمانیان

۱- کارشناس ارشد ادبیات فارسی، دانشگاه پیام نور، مرکز یزد، یزد، ایران

Email: vahidehrahmanian67@gmail.com

#### چکیده

این تحقیق با عنوان "بررسی شاخصه‌های تعهد اجتماعی در ادبیات" و با هدف معرفی و بررسی اجمالی هر یک از شاخصه‌های تعهد اجتماعی و با روش تحلیلی توصیفی و با استفاده از منابع در دسترس انجام شد. بررسی یافته‌ها نشان داد که یکی از شاخصه‌های مهم تعهد اجتماعی، وطن پرستی است. وطن پرست کسی است که از دل و جان به وطن خود عشق می‌ورزد و در راه تعالی آن، جانفشانی می‌کند. بیگانه ستیزی شاخصه دیگری از تعهد اجتماعی است. شاعران متعهد به دلیل مرام انقلابی و تأثیرپذیری از بن‌مایه‌های دینی و فرهنگی و عدم سکوت و بی‌تفاوتی به وضع موجود، همواره با نگاهی متعهدانه به شعر نگریسته و بدین وسیله با اعتقاد به رسالت اجتماعی برای خود، در پی تحول و شکل‌دهی به جریان انقلابی و مقاومت برآمده‌اند. استقلال طلبی نیز از دیگر شاخصه‌های تعهد اجتماعی است. استقلال طلبی به معنای طرفدار استقلال میهن است. همچنین دفاع و جهاد نیز از دیگر شاخصه‌های تعهد اجتماعی است. در سال‌های دفاع مقدس، شعر به عنوان سلاحی اثرگذار، در صحنه حضور داشت و حماسه‌ها و مقاومت‌ها را می‌ستود و ثبت می‌کرد. صلح طلبی، آزادی‌خواهی، تشویق به مبارزه و جهاد، مبارزه با فساد اجتماعی، اقتصادی و سیاسی، از برجسته‌ترین مضامین اجتماعی و تعهد اجتماعی است که شاعران و ادیبان در این زمینه‌ها تعهد خود نسبت به اجتماع را ادا کرده‌اند.

**کلیدواژه‌ها:** شاخصه‌ها، ادبیات متعهد، وطن پرستی، استقلال خواهی، بیگانه ستیزی، تعهد اجتماعی.

# چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

## مقدمه

از دید ناقدان و نظریه پردازان ادبی، شاعران و نویسندگان معاصر، در جامعه ای که با انواع مشکلات و مسائل دست به گریبان است، نمی توانند بی تفاوت باشند. تحولی که امروزه در شرایط جهانی پیش آمده نگرش ناقدان را درباره محدوده ای که نویسنده متعهد باید به آن بنگرد تغییر داده است. این تعهد از دید ناقدان صرفاً احساس مسئولیت و تعهد شاعر یا نویسنده در برابر سرنوشت جامعه بشری و محدود به مرزهای ملی نیست.

ادبیات متعهد، از منظری رفیع، همه هستی را نظاره می کند و رسالت حقیقی آن روشنگری اذهان، تلطیف روح بشری، بارور ساختن امیال پاک، ترویج همدلی بین انسانها و به کلامی ارج نهادن به آرمان های والای انسانیت است. با تمام این اوصاف ادبیات متعهد دارای شاخصه هایی است: توجه به اصل هنر در خدمت دین؛ پای بندی به سنت و ارزش های اخلاقی - اسلامی؛ مخالفت با ترویج اباحه گری؛ عصیان علیه نهیلیسم؛ هم دلی و هم زبانی با مردم «احترام به مردم»؛ پاسداشت ارزش های دینی و ملی؛ تأکید بر اندیشه پیوند سیاست و دیانت».

بنابراین نویسندگان و شعرای متعهد کسانی هستند که ممیزه های ادبیات متعهد را در آثارشان به خوبی ارائه کرده اند. از سویی دیگر توجه داشتن به روح بلند حق پرستی و تعظیم نکردن در برابر ظلم، ایستادگی در برابر دشواریها، مقاومت در برابر استکبار جهانی و مزدوران، ستایش عدالت و برابری و دعوت به صفا و صمیمیت و خودآگاهی دینی از دیگر ویژگی هایی است که ادبای متعهد به انقلاب اسلامی به آنها تأکید می ورزند. شعر متعهد شعری است که با گرایش به ایدئولوژی مثبت و تکیه بر من جمعی از ارزش های انسانی اعم از آسمانی یا قراردادی برا انسان در معنای فلسفی - دینی یا اخلاقی آن و یا برای مردم در مفهوم حقوقی آن دفاع می کند (رسولی، ۱۳۸۳: ۷۵). این مقاله، مهمترین شاخصه هایی را که در ادبیات و آثار ادبی برای تعهد در نظر گرفته شده است، مورد بررسی قرار گرفته است.

## بیگانه ستیزی

در لغت به معنای، اعتراض و مبارزه علیه حضور و نفوذ بیگانگان می باشد. شعری همچون ملک الشعرا بهار در سه محور اعتراض مستقیم، حمایت از کشورهای استعمار شده دیگر و وطن دوستی از این اصطلاح بهره برده اند. روشنای تاریخ بیگانه ستیزی، وام دار بزرگانی است که با اقتدار در برابر ظلم و ستم ایستادند و با سلاح بیان، روشنگری را به مردم جامعه خویش بخشیدند. داستان انقلاب اگرچه از دوره مشروطیت با شکل گیری جریان روشنفکری در جامعه و شعار جدایی هنر از دین شکل گرفته بود اما در عصر انقلاب اسلامی، ادبیات متعهد سبب پیوند این دو با یکدیگر شد. البته نمی توان این نکته را نادیده گرفت که ادبیات متعهد در آغاز تا حدی شعاری پیش رفت اما بعد از مدتی این شعارزدگی تبدیل به خودآگاهی دینی و قالب کار متفاوت شد و ارائه آثار به سمت و سوی عمیق شدن پیش می رود. چنانچه برخی از شاعران، تنها از احساسات درونی خود می گفتند که تا حدودی سبب تضعیف ادبیات متعهد می شد. اما برخی دیگر از شعرا که در دوره پیش از انقلاب، رژیم استبدادی پهلوی را بر نمی تافتند، در اعتراض به وضع نابسامان محیط اجتماعی خود با زبانی نمادین به سرودن شعر پرداختند و در صدد بودند که جامعه را از خواب غفلت بیدار کنند. از جمله این شاعران می توان به زنده یاد سید حسن حسینی اشاره کرد که از گروه شاعران متعهد بود. او می دانست نباید سکوت کند و به سکوت ایمان نداشت. وی با طرح باورها و اعتقادات دینی و ملی، هویت از دست رفته را به مردم

# چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

گوشزد می‌کرد و در عین اعتقاد به مصالح زندگی، مردم را به بیداری و قیام علیه استبداد عصر دعوت می‌کرد (مسبوق و همکاران، ۱۳۹۰).

بیگانه ستیزی مختصات روانی پاره ای علت‌ها، اقوام و مردم و حتی افراد است که مجموعه ای از تجربه های آسیب آفرین در کار رابطه آنان و دیگری اختلال جدی به وجود آورده و نمی‌تواند راه های معقول گفت و گو را برگزیند و ترس از بیگانه به یک بیماری پایدار و ستیز با دیگری تبدیل شده است. کشورهایی که با دیگران رابطه های متنوع برقرار می‌کنند و در جایی بنا به منافع معین به کشمکش بر می‌خیزند، مضمون ایده ترس از بیگانه نیستند؛ اما مردمی که در دوران گذرا و کوتاه آرامش، به هر بهانه اختلال ایجاد کرده، به روش های مبتنی بر نفی و گریز، کناره گیری، کشمکش، و آشوب انگیزی، بی‌وقفه به جای مبادله آرا و حل اختلاف‌ها می‌گردند، از این منظر قابل‌واشکافی‌اند. تبدیل کردن مسایل گذشته به امری پایداری و نگذشتنی و تکرار مدام آن و تولید احساس نفرت جدید، از جمله مظاهر این رفتار پر آسیب است. موقعیت جغرافیایی، استراتژیک و ژئوپلیتیک ایران که چهار راه جهان کهن بود، در طول تاریخ، مردم ما را در معرض آزارهای فراوانی قرار داده است. ایرانی‌ها و حکومت‌های ایرانی کمتر به دیگران آزارها رسانده‌اند؛ جز دوران نادر شاه. جنگ و جدال ایرانی‌ها با یونانی‌ها و سلوکی‌ها و پیش‌تر از آن ستیزه‌های مربوط به تاریخ افسانه آلود پیشدادیان و کیانیان با توران، و آریایی‌ها با اقوام مستقر در فلات ایران و جنگ و جدال بومی‌ها و مهاجران نو پدید و پیروزی مهاجران و... و سپس جنگ‌های دوران امپراطوری ایران (هخامنشیان و ساسانیان) و آنگاه یورش اعراب و رابطه دو گانه ایرانیان با مهاجمان و جدا انگاری دین اسلام (دین به روایت خاندان پیامبر (ص)) با نیروی ستمگر متجاوز و خلافت، سلطه و بهره‌کشی و ویرانگری اعراب (اموی و عباسی) و روایت فردوسی از این تمایز، سپس مقابله با مغول‌ها و سلطه آنان و نیز سلطه ترکان و افغان‌ها و بالاخره ظهور جهان مدرن و رابطه ما و غرب، همه و همه میدان جنگ و ستیزی است که ایده بیگانه ستیزی امروز، از دل آن سر بر می‌آورد تا مورد کاوش قرار گیرد و صحت و سقم آن بررسی گردد. امروزه نیز چالش‌های سیاسی، دیپلماتیک و تهدیدات جدی و یا بازی رعب انگیز برای دستیابی به مقاصد سیاسی، رابطه ایران و امریکا و اروپا و کشورهای متحد را دچار آشوب کرده است. آیا ما حق داریم این چالش‌ها را محصول بیگانه ستیزی ایرانیان خطاب کنیم، یا عادلانه آن است که ریشه جدل را در سلطه جویی قدرت و قدرت‌های جهانی ببینیم که به طور طبیعی، مقاومت دولت و مردم را بر می‌انگیزد و روشنفکرانی که گرایش - غرب دارند آن را به نادرست، محصول بیگانه ستیزی بر می‌شمارند (بهنام، ۱۳۹۷). شاعران متعهد به دلیل مرام انقلابی و تأثیرپذیری از بن‌مایه‌های دینی و فرهنگی و عدم سکوت و بی‌تفاوتی به وضع موجود، همواره با نگاهی متعهدانه به شعر نگریسته و بدین وسیله با اعتقاد به رسالت اجتماعی برای خود، در پی تحول و شکل‌دهی به جریان انقلابی و مقاومت برآمده‌اند.

## استقلال طلبی

استقلال طلبی به معنای طرفدار استقلال میهن است. استقلال طلبی به مفهوم امروزی، برای اولین بار در انقلاب مشروطه طرح شد و نقش مهمی در آزادی سیاسی، داخلی و خارجی و همچنین بقای استقلال ایران داشت. قوم ایرانی مانند دیگر اقوام جهان، در طی حیات پر فراز و نشیب خود در معرض تهدیدات تجاوزات و توفان‌های مرگبار تاریخی بسیار قرار داشته است، همواره با سلاح برنده‌ی ادبیات به مقابله‌ی دشمنان رفته و در برابر آنان سربلند بیرون آمده است. بی‌تردید شاعران و نویسندگان فارسی زبان، سهم بزرگی از بار عظیم و حفظ استقلال وطن و مقاومت در برابر متجاوزان را بر دوش داشته و یکی از ارکان اصلی سربلندی و بقای ملت ما در طول تاریخ بوده‌اند (همت خواه و همکاران، ۱۳۹۶: ۲).

# چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

در تعریف ناسیونالیسم آمده است که: «عبارت است از اعتقاد گروه بزرگی از مردم به اینکه یک جامعه سیاسی و یک ملت شایستگی تشکیل دولتی مستقل و استقلال در سطح فردی و اجتماعی را دارند و وفاداری به جامعه را در اولویت خود قرار می دهند و برای این وفاداری تا آخر عمر بایستند» (انتخابی، ۱۳۷۱: ۹۷). اندیشه ناسیونالیسم در بین شاعران ایرانی و عرب نمود زیادی دارد. این شاعران دفاع از حریم شخصی و اجتماعی و در واقع استقلال را حق یک ملت می دانند. به عنوان مثال در شعر عصر مشروطه و در شاعرانی همچون نسیم شمال که زبانش در واقع زبان و فرهنگ مردم و انقلاب بوده است، می توان مضامینی همچون آزادی، وطن پرستی، عدالت خواهی، دفاع از استقلال وطن و مقابله با استبداد را در اشعارش یافت. نسیم شمال گاه بخاطر خشم، ناراحتی، دلتنگی از اوضاع آشفته، چنین سخن رانده است.

ز بخت خویش نالانم، نمی دانم چه بنویسم  
از این اوضاع حیرانم، نمی دانم چه بنویسم  
قلم در دست بگرفتم، نویسم از وطن شرحی  
مثال بید لرزانم، نمی دانم چه بنویسم  
برای یوسف گلچهر در بازار پر وحشت  
اسیر چنگ گرگانم، نمی دانم چه بنویسم  
(حسینی، ۱۳۶۵: ۲۱)

ملک الشعراى بهار، از دیگر شاعرانی بود که دلبستگی به استقلال ایران و اعتقادش به بنیاد حکومت مقتدر مرکزی تاکید داشت. وی با همه ی نهضت هایی که به شکلی رنگ و بوی تجزیه طلبی داشتند یا مایه ی تضعیف دولت مرکزی می شدند، مثل نهضت جنگلی در گیلان، نهضت خیابانی در آذربایجان و نهضت کلنل محمدتقی خان پسیان در خراسان به صراحت به مخالفت برخاست و با سرودن قصیده ای بلند در نکوهش جنگلی ها، از کابینه ی وثوق الدوله و اقدامات او علیه نهضت جنگل حمایت کرد. در این تعبیرها، منظور بهار از آزادیخواهی چیزی جز استقلال سیاسی نیست. استقلال و رهایی از نفوذ دولت های بیگانه و استعمارگر. استقلالی که فقط با ایجاد دولت مستقل مقتدر ملی، دست یافتنی بود. منظور او از دولت مستقل ملی در آن دوره، دولتی است متمرکز و مقتدر، مثل دولت هایی که بعدها آتاتورک و موسولینی یا نازی ها به وجود آوردند. این تعبیرات عین تعبیراتی است که بهار بعدها به کار گرفت تا نشان دهد که دولت ملی در دید او و یاران آزادیخواه او در آن دوره چگونه دولتی بوده است. برای بهار اصل اساسی همان اقتدار و استقلال سیاسی بود که بر اساس آن میشد با نفوذ هر کشور قدرتمند خارجی مقابله کرد و بنیاد اقتصاد و سیاست -های مستقل ملی را پی ریخت (آجودانی، ۱۳۸۲: ۲۸).

## وطن پرستی

وطن پرست کسی است که از دل و جان به وطن خود عشق می ورزد و در راه تعالی آن، جانفشانی می کند. همانند این تعریف را در تعریف کسروی نیز می توان مشاهده کرد. او ملی گرایی را به نام هایی چون «وطن خواهی»، «وطن پرستی»، «میهن پرستی» و «ایرانی گرایی» می خواند. او می گوید: «توده ای که تکه هایی از زمین را به میهن برگزیده در آن میزند، آن تکه زمین - یا اگر به نامش خوانیم، آن کشور- از یک سو خانه ایشانست ... از یک سو نیز چشمه زیست ایشانست... اینست باید به آن کشور دل بندند و باید به آبادیش کوشند و بیاریند و بیاریند. باید در راه آزدایش از تلاش باز نایستند و اگر نیاز افتاد، جانبازی دریغ ندارند.» (یزدانی، ۱۳۷۶: ۲۹).

انقلاب مشروطه سند رسمی ورود ایران به دنیای جدید است. از این دوره به بعد است که دلبستگی و نیاز به فرآورده های فرهنگی و علمی رنسانس در ایران از ضروریات زندگی محسوب می شود و در نتیجه خواسته ها و شعارها منطبق با این چنین مفاهیمی است. ادبیات مشروطه با شعارهایی مطرح از جمله آزادی و وطن نشانگر این مصادیق است. شاعرانی همچون بهار، نسیم

# چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

شمال، ایرج، میرزاده عشقی با طرح شعار آزادی و وطن به دنبال نوعی دموکراسی در معنای غربی آن هستند و همین توجه این دسته از شاعران به حق مردم (تشکیل مجلس و حق رای)، شعر آنان را مردمی و متعهد کرده است. بار معنایی این اشعاری وطنی علاوه بر القای حس ناسیونالیستی، نشان دهنده استقلال فردی و اجتماعی نیز هست (مسبوق و همکاران، ۱۳۹۰: ۶۵). از نقطه نظر علوم انسانی، مفاهیمی مانند وطن و ملت به معنای کنونی آن محصول انقلاب صنعتی و رواج صنعت سرمایه داری است. در ایران تا اوج سلطنت ناصرالدین شاه، در متون و نیز آثار منظوم واژه وطن و ملت به معنای کنونی به کار نمی رفت. در دوره مشروطه غیر از فرهنگ عوام و زندگی روزانه و مسائل اجتماعی و سیاسی، شاعران برای تهییج و تحریک خواننده به شعر نوعی چاشنی حماسی می زدند نوعی فکر حماسی و ملی و افتخار به گذشته و بیان افتخارات گذشته ایران مایه غرور شاعر بود (همان: ۷۴).

در آستانه نهضت مشروطیت است که این واژه ها جایگاه خود را باز می کند. از گویندگان این دوره اشعار زیادی در مورد وطن در دست است که به اشعار وطنی یا وطنیه ها معروف هستند. پیدایی احساسات و اندیشه های ملت و دوستی و وطن خواهی با شکلی آرمانی ملی متأثر از نهضت مشروطیت بود و با توجه به همین حالات بود که بهار ترانه مرغ سحر را سرود و شهرت ملی عارف نیز به سبب همین تصانیف وطنی اوست که در آنها با ملت ایران همدردی کرده است. شاعران با پیروی از حدیث رسول اکرم (ص)، ضمن برائت از دشمنان وطن، عاشقانه آن را می ستایند و همچون موجودی زنده پناهگاه و مامن خود می دانند. و با استفاده از رنگ هایی همچون سبز، سپید، قرمز و... در اشعارشان خواستار آبادانی و جاودانگی آن هستند و طهارت و پاکی وطن را حاصل خون ریخته عاشقان بر خاکش بیان می دارند: «ای ایستاده در چمن آفتابی معلوم / وطن من / ای توانترین، مظلوم / تورا دوست دارم / ای آفتاب شمایل دریا دل / مرگ در کنار تو زندگی است / ایستاده ایم در کنار تو سبز و سر بلند» (هراتی، ۱۳۸۰: ۱۵).

در فضای شعری شاعران متعهد، تاریخ گذشته کاملاً محسوس است؛ به طوری که گریز می‌زنند به بدر، احد، کربلا و حتی تاریخ گذشته ایران. برخلاف شاعران متعهد، گروهی فقط شاعر امروزند، یعنی از دیروز بهره نمی‌گیرند. آری شاعر متعهد از گذشته بهره گرفت و وفادار به ارزشها و سنت‌های گذشته ماند. از طرفی هم به حال می‌پردازد و هم به آینده. چنانچه سهم آینده در اشعار این گونه شعرا، به اندازه انبوه اشعاری است که با موضوع انتظار سروده شده است. در واقع شاعر متعهد از پنجره امروز به فردا می‌نگرد و امروز را از منظر فردا و فردا را از منظر امروز تحلیل می‌کند. این گره و پیوند میان سه قطعه زمانی در مورد شعر متعهد را در هیچ دوره دیگر تاریخی نداریم.

## دفاع و جهاد

در سال های دفاع مقدس، شعر به عنوان سلاحی اثرگذار، در صحنه حضور داشت و حماسه ها و مقاومت ها را می ستود و ثبت می کرد. جنگ به پایان رسید، ولی پیامدهای آن، همچنان در زندگی مردم باقی ماند. «قیصر امین پور»، با حضور در جبهه ها، از نزدیک با رزمندگان در ارتباط بود و همین ارتباط و آشنایی باعث شد، او همواره پیشرو قافله شاعران انقلاب و دفاع مقدس باشد. درباره تعهد در شعر «قیصر امین پور»، باید گفت قیصر در زمینه تعهد در شعر، شاعری است که تعهد را در آثار او می توان به خوبی دید؛ او به جامعه و اعتقاد مردم متعهد بود. همچنین «امین پور»، از اولین کسانی است که در شعر این دوره، تحول ایجاد می کند؛ در شعر این دوره، علاوه بر محتوا، تفاوت محسوسی از نظر زبانی با شعر پیشینیان دیده می شود. شعر و شاعری خود قیصر هم،

# چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

دستخوش تغییر و تحول می شود، تا آنجا که عده ای گمان می کنند او از عقاید پیشین خود دست برداشته است؛ البته باید گفت قیصر شاعری متعهد و انقلابی بود که تا پایان عمر، به آرمان هایش پایبند ماند (صرفی، ۱۳۹۰: ۳۲).

شعر پایداری، فارغ از دلالت‌های موضوعی، از نظرگاه فلسفی و علوم عقلی به شعری گفته می‌شود که نتیجه همراهی و هم‌دلی میهنی یا قومی در برابر هر گونه تجاوزگری بشری است. قطعاً جنگ تنها بستر شعر پایداری نیست بلکه می‌توان گفت که پایداری و مقاومت و مفاهیم شعری و ادبی فرایندهای عام دیگری را نیز در زندگی بشری در بر می‌گیرد و دوره‌های خاص را از نزاع انسان با طبیعت، حکومت و بیگانه شامل می‌شود. ادب مقاومت و پایداری، که محصول پایداری در برابر تهاجم و حمله به مهاجم است، در هر اندیشه و اعتقادی با هر مرام و انگیزه‌ای مهم و قابل بحث و بررسی است. اگرچه جنگ یک پدیده نامطبوع و غیرقابل قبول در فرهنگ عمومی جوامع بشری است و همه مذاهب و مکاتب نسبت به پدیده جنگ بدبین هستند اما هر آیینی مواجهه با پدیده جنگ را در شرایطی خاص نه تنها نامحتمل بلکه گاهی ضروری و واجب می‌داند. در جوامع اسلامی و دینی اگر پدیده‌ای با متن باورهای مقدس و اعتقادی متصل شود محصول آن ظهور معادله ساده «حق و باطل» و «خیر و شر» است و طبیعی است که یقین و باور قلبی کارآمدتر از تمام ایده‌های عقلی و محاسبات نظامی است، همچنان که واقعه عظیم عاشورا از نظرگاه شیعیان از مصادیق بارز این باور قلبی و اعتقادی است. این که باورهای دینی رکن اساسی فرهنگ است، تردیدناپذیر است اما پاره‌ای از حوادث و اتفاقات تاریخی، اقتصادی و نظامی و اوضاع اجتماعی در جهت‌دهی فرهنگی جوامع نادیده گرفته می‌شود.

مفهوم مقاومت و پایداری دفاع، مفهومی عام در فرهنگ ملت‌هاست و این مفهوم کاملاً ارزشمند محسوب می‌گردد زیرا مقاومت نوعی واکنش در برابر تهاجم است و به همان دلیلی که انسان، ناخواسته در مواجهه با خطر دست‌هایش را حایل بدن می‌کند، حس مقاومت و پایداری در برابر مهاجم هم امری ذاتی و برخاسته از فطرت انسان‌هاست. نگاهی ژرف و همراه با امعان نظر و دقت به اشعار حوزه مقاومت و پایداری نشان می‌دهد ادبیاتی که زاینده مفهوم مقاومت و پایداری است در سه موضوع کلی به شرح زیر قابل بررسی است: (۱) بیان اهداف آرمانی و تفکرات عالی (۲) توصیف شجاعت‌ها و تمجید پیروزی‌ها (۳) وجود مرثیه‌سرایی و سوگواری‌ها در بزرگداشت دلاوران.

یکی از زمینه‌های تفکر در شعر پایداری، وطن‌دوستی و میهن‌پرستی است. سرزمین برای شاعر همه چیز است، محمل خاطرات کودکی، محل عشق‌ورزی‌های جوانی و آرامگاه سال‌های کهن‌سالی و سالخوردگی. «محمد الفیتوری» می‌گوید: من مالک چیزی نیستم جز ایمانم به ملت/ و تاریخ وطنم/ وطنم سرزمین گسترده آفریقا است/ سرزمینی که در خونم حملش می‌کنم/ و در هوا تنفس می‌کنم (صالحی، ۱۳۷۷: ۱۵۱). افیلیا حاجی یوآ شاعر آذربایجانی عشق به وطن را غریزه‌ای می‌داند که پیش از تولد در انسان شکل می‌گیرد: هنوز در آتش عشق میهن نسوخته‌ام/ آیا در شگفتید؟/ من نه کوچکم/ نه بزرگ/ آخر هنوز چشم به دنیا نگشوده‌ام/ (همان: ۷۸)

ناظم حکمت بسیاری از شاعران عرب و ترک را از ایده‌های میهن‌پرستانه خود متأثر کرد. او مادر و وطن را یکی می‌داند. «شما باید تشخیص بدهید/ حجم اهمیت خاک را/ و اعتقاد به این که خاک ابدی‌ست/ مبدا تفاوتی قابل شویب/ بین مادر خود و خاک وطنی که دارید! هر دوی آن‌ها را به یک طریق و یک اندازه دوست بدارید» (همان، ص ۱۱۸). آله خاندروگازه را شاعر السالوادری وطن را این سان تمجید می‌کند: فریادهای وطن را/ بر گیتارهایتان بنوازید/ تا ترانه‌های ناخوانده/ چون خون جوان در رگ‌ها بجوشد/ و عشق چون زیباترین دختر بومی/ در حلقه آزادی و بهار/ دست بیفشاند» (همان، ص ۵۲۸). شاندرپتوفی شاعر ملی مجارستان فداکاری بزرگ خود را در راه وطن خویش این‌گونه بیان می‌کند: «درست روز عروسی ما بود/ عروسی تو محبوبم، عروسی من/ و من برای

# چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

آنکه در راه وطنم جان بدهم/ حتی از نخستین شب عروسیمان گذشتم (شاندرپتوفی، ترجمه محمود تفضلی، ۱۳۵۷: ۳۵). محمود درویش شاعر مقاومت ملی، فلسطین وطن اشغال شده‌اش را همچون زخم و تیری می‌داند در چشم‌هایش: «وطنم! ای عقابی که منقار شعله‌ورش را پنهان می‌کند/ در چشم‌هایم/ از خلال شاخه‌های چوب/ تمام آنچه را در پیشگاه مرگ مالکش هستم/ پیشانی دست و چشم به تو می‌سپارم/ و من وصیت کرده‌ام که قلبم را چون درختی بکارند/ و پیشانی‌ام را لانه‌ای برای گنجشکان (درویش، ۱۳۷۶: ۸۱).

محمدعلی عجمی شاعر تاجیکی از منظری دینی به وطن می‌نگرد و تنهایی وطن خود را با تنهایی حسین بن علی (ع) هم‌سان می‌داند:

تاجیکستان ای کنام روح من	ای تن صد پاره مجروح من
در میان تیر باران ای وطن	در دم تیغ یزیدان ای وطن
همچنان نخلی جوان استاده‌ای	تشنه در ریگ روان استاده‌ای
وا حسینا وا حسینا وا حسین	در میان مشرکان تنها حسین

(عجمی، ۱۳۷۷: ۹۳)

در شعر دفاع مقدس و پایداری ایران اسلامی، مقوله ایران دوستی سابقه و صبغه‌ای بسیار طولانی و شفاف دارد. طرح روایت «حب الوطن من الایمان» از جانب رسول اعظم (ص) باعث شد تا ایرانیان در چشم‌انداز عشق و وطن‌دوستی، آرمان‌های والای دینی را هم مدنظر گیرند. ای ایستاده در چمن آفتابی معلوم/ وطنم/ ای توان‌ترین مظلوم/ تو را دوست دارم/ ای آفتاب شمایل دریادل/ و مرگ در کنار تو زندگی‌ست/ ایستاده‌ایم در کنار تو سبز و سربلند/ (خوشه چرخ آرنی، ۱۳۹۷: ۱۷). سلمان هراتی در ادامه شعر دریاچه ای از سوی دین به وطن می‌گشاید: کجای زمین از تو عاشق‌تر است/ ای چشم‌انداز روشن خدا/ وقتی خدا رحمت بی‌نهایتش را باریدن می‌گیرد/ می‌گویم شاد/ از تو تشنه‌تر نیافته استهراتی در پایان مظاهر ملی و دینی را هم در وطن می‌آمیزد و می‌گوید: ای رویین تن متواضع/ ای میزبان امام/ ای پوریای ولی/ ای طیب، ای وطن من/ (میرجعفری، ۱۳۷۵: ۳۳۵). و اسماعیلی سروده است: خرم و سرسبز بمان تا ابد/ ای وطن ای چلچله‌های نجیب/ باز بخوان سوره و النازعات/ باز بخوان آیه امن یجیب/ فتح تو یک معجزه روشن است/ نصر من الله و فتح قریب/ (اسماعیلی، ۱۳۷۵: ۳۲).

## حفظ منافع ملی

در جهان مشهور است که ایرانیان شعر دوست و شاعر مسلک هستند و کمتر ملتی مانند آنان در زندگی روزمره خود، شعر را با همه خصوصیاتش جریان می‌دهد. در مکالمات روزانه هم اگر دقت کنیم، می‌توانیم این نگاه شاعرانه به زندگی را ببینیم. حتی بر رفتارهای برخی از ما، تفکر شاعرانه حاکم است. هنوز هم اگر مجالی دست دهد، دوست داریم در شب‌های بلند زمستان، با هم شاهنامه بخوانیم و غزل حافظ را زمزمه کنیم. شعر در رفتار و گفتار ما تأثیری ژرف نهاده است و البته این نگاه در جای خود بسیار شایسته و نیکو است. شعر در زندگی‌های آلود امروزی، به آدمیان گرفتار فرصتی می‌دهد تا اندکی از هیاهوی آن رهایی یابد و به آرامشی نسبی دست یابند. تنهایی آدمی با اکسیر شعر به خوبی پر شدنی است. شعر در زندگی فردی و امروزی، فرصتی است گرانبها، اما در برابر، آن گاه که این نگرش، وارد زندگی سیاسی و اجتماعی ما شود، زیان‌های بسیاری را فراهم می‌آورد که چندان به آن توجه نشده و نمی‌شود و می‌تواند ما را در دنیای امروز که همه کشورها با نگاهی ابزاری و سودجویانه تصمیم می‌گیرند، به ورطه‌های خطرناکی دراندازد. نگرش‌ها و سیاست‌های شاعرانه، دیدگاه‌هایی هستند که به جای دوراندیشی، خردورزی و ژرفکاوی‌های

# چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

سنجیده، به رویکرد احساسی، سطحی، کوتاه مدت و روبنایی می پردازند، در این گستره، دغدغه ها چندان فراگیر و دوراندیشانه نیست و فرد با توجه به امور روزمره، در تلاش است تا تنها دوران چند روزه کاری خود را به پایان برد؛ حال آنکه فراروی از تکرارها، رونها، سطحی اندیشی ها و رسیدن به خلاقیت، ما را وامی دارد تا به خردورزی، اندیشمندانه بیندیشیم (روشندل، ۱۳۷۴: ۲۳).

اگر این بینش در زندگی شخصی حاکم شود و فرد هیچ باوری به روند خردگرایانه در زندگی نداشته باشد، فراگیر و مهم نیست و بیشترین زیانی که به فرد، در این حیطه وارد می شود، محدود و کم رنگ است، حتی ممکن است که برای یک فرد، آن نگرش مفید و راهگشا باشد، اما اگر سیاست های کلان کشور و نظام سیاسی بر سیاست های شاعرانه استوار باشد، گاه تصمیمی ناسنجیده و به دور از رایزنی کارشناسانه، می تواند اساس و بنیان آن سامان را نابود کند و برای هزاران نفر زیان و ضرر به دنبال داشته باشد. بینش احساسی آن چنان چشمان سیاستگذار را نابینا می کند که با توجه به اموری خیالی و اوهامی خودبافته، اقدام به تصمیم گیری می کند، در این گونه موارد به جای آنکه فرد به ارزیابی واقع بینانه داشته های خود و رقیب بپردازد، صرفا به داشته های خویش چشم می دوزد و آن قدر به آنها خیره می ماند که داشته های نه چندان بسیارش را چند برابر می بیند و نیروی رقیب را کم اهمیت جلوه می دهد.

امروزه با توجه به فراگیر شدن آموزه های تجدد، کشورها اساس تصمیم گیری ها را بر منافع خویش، عقلانیت ابزاری و سودجویانه قرار داده اند، شاه کلید سیاست ها و ملاک همه چیز سود است، آن گونه که افراد، ارزش های اخلاقی و آموزه های دنیای سنتی را آگاهانه از زندگی و سیاست خویش کنار نهاده اند؛ ماکس وبر در توصیف دنیای سودطلب امروزی، بر این امر تاکید دارد که در دوران جدید، ارزش ها از زندگی بشری عقب نشینی کرده اند. وی می گوید: تقدیر دوران ما با عقلانی شدن و خردورزی، و مهم تر از همه «افسون زدایی از جهان» رقم خورده است، دقیقا والاترین و غایی ترین ارزش ها از صحنه زندگی عمومی پس نشسته و یا در عرصه متعالی زندگی عرفانی و یا در اخوت روابط مستقیم و شخصی انسانی منزل گزیده اند (وبر، ۱۳۸۰: ۱۷۱).

این امر آن سان مرزها را درنوردیده است که اگر کشوری بخواهد، بیرون از این حوزه به تعامل و تصمیم گیری بپردازد، زیان خواهد دید. سخن آن نیست که ما نیز در سیاست های کلان خویش، روندی صرفا سودجویانه را در پیش گیریم و عقل سود اندیش را معیار همه چیز قرار دهیم، اما تاکید نگارنده بر آن است که در دنیای امروز که همه ملاک ها سودطلبانه شده است، ما باید در تعامل با دیگران، رهیافت خردورزانه را در پیش گیریم، ورنه نگاه شاعرانه در آوردگاه و تکاپوی عاقلانه در می ماند و بسیاری از امور را نمی تواند به درستی تحلیل و ارزیابی کند. از یک سو می توان معیارهای عقلی را در سیاست ها، سنجه امور قرار داد و از دیگر سو، به ارزش ها و امور انسانی در درون تمدن اسلامی نیز پشت نکرد. در تمدن اسلامی عقل معاش در کنار عقل معاد طرح گردیده است. بر خلاف نگرش های دوران مدرنیته که تنها به عقل معاش توجه شده است، اما عقل معاندیش، هرگز نباید ما را از واقعیت های زندگی دور کند، آن سان که در سنت گفتاری و رفتاری پیشوایان دینی نیز، این رهیافت، به خوبی قابل مشاهده است. تصمیم های احساسی ما را به دامن غفلت های بزرگ در می اندازد و از تحلیل واقع بینانه دور می کند. در سیاست کلان هر کشور، نگاه و تحلیل های خردورزانه امری دوری ناپذیر است که چه بخواهیم و چه نخواهیم، خود را بر ما تحمیل کرده است. این بینش در رسیدن به واقعیت امور به ما یاری می رساند و توان می بخشد تا نه به داشته خویش مغرور شویم، نه آن را دست کم بیندازیم و نه مرعوب



# چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

داشته های دیگران گردیدیم و هر چه که دیگران می گویند، بی چون و چرا بپذیریم . سیاست عاقلانه ما را به درک واقع بینانه پدیده های زندگی نزدیک می سازد و از سطحی اندیشی دور .

دیدگاه اسلامی، سود اندیشی را به عنوان تنها معیار امور بر نمی تابد، و هر رفتاری با این ملاک قابل سنجش نیست، اما عقل نیز در وجود آدمی سرشته شده است تا از خاک گوهر برگردد و از گنجینه های زمین، بیشترین بهره را داشته باشد . در فرهنگ اسلامی بر این امر تاکید شده است که «العقل مرکب العلم» ؛ با عقل می توان به دنیای پر راز و رمز دانش راه یافت و ابزار علم ما را به منافع و مخازن این جهان می رساند.

امام علی (ع) درخطبه اول نهج البلاغه به دو امر کلیدی از آموزه های دنیا اشاره می کند که همانا «پیمان فطرت» و «گنجینه های عقل» است . عقلی که به فطرت پاک نهاد خویش پشت نکند، می تواند در عین دست یابی به گوهرهای زمینی، به امور فرادنیوی برسد، ایشان می فرماید: «پس خداوند فرستادگان خود را در میان مردم برانگیخت و پیامبرانش را پی در پی به سوی آنان فرستاد تا پیمان فطرت را از آنان مطالبه کنند و نعمت فراموش شده اش را به یادشان آورند و با رساندن پیام خدا، حجت را بر آنان تمام کنند . گنج های نهفته عقل ها را برایشان بیرون کشند و آیات قدرت خدا را به آنان نشان دهند. با این دیدگاه و دغدغه، می توان، به دور از سیاست های شاعرانه، به تعاملی سنجیده با دیگران دست یافت و منافع ملی کشور را به شایستگی حفظ کرد.

## مبارزه با فساد اجتماعی و اخلاقی

قیصر امین پور شاعر توانمند معاصر، از جمله افرادی است که تعهد نسبت به مسائل اجتماعی را سرلوحه مضامین شعری خویش قرار داده است و آثار ارزشمندی در این حوزه از خود به یادگار گذاشته است. صلح طلبی، آزادی، تشویق به مبارزه و جهاد، انعکاس ظلم و فساد موجود در جامعه، از برجسته ترین مضامین اجتماعی در آثار این شاعر است. قیصر در ابتدا شاهد حوادث قبل از انقلاب اسلامی و مبارزه مردم علیه رژیم پهلوی بود، سپس شاهد حوادث بعد از پیروزی انقلاب تا پایان جنگ و بعد استقرار نظام اسلامی و ثبات سیاسی در کشور بود . در فاصله سال های پیروزی انقلاب اسلامی تا پایان جنگ، اشعار قیصر اغلب اندیشه های سیاسی و اجتماعی او را منعکس می کند. اما از سال ۱۳۷۶ اشعار او از نظر محتوای سیاسی کمرنگ تر شده و بیشتر از نظر اجتماعی وضوح می یابد(نادری و همکاران، ۱۳۹۳: ۸۳).

قیصر شرایط سیاسی و اجتماعی مختلفی را در زندگی خود تجربه کرده است. حوادث قبل از انقلاب اسلامی و قیام مردم علیه رژیم پهلوی، سپس حوادث بعد از پیروزی انقلاب اسلامی تا پایان جنگ و بعد از آن تحولات کشور بعد از پیروزی در جنگ تحمیلی، عمده این شرایط است و از آنجایی که فساد و ستم موجود حاصل شرایط دوران قبل از انقلاب اسلامی - رژیم پهلوی - است بنابراین باید مهمترین اندیشه های شاعر را در بیان ظلم و ستم جامعه در اشعار مربوط به این دوران او مشاهده نمود. قیصر نام یکی از مجموعه های شعری خود را «تنفس صبح» مینامد؛ صبحی که در دل تاریکی شب طلوع کرد:

لبخند تو خلاصه خوبیهاست	لختی بخند، خنده گل زیباست
پیشانی تنفس یک صبح است	صبحی که انتهای شب یلداست

(امین پور، ۱۳۹۳: ۴۰۷)

# چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

شاعر در مثنوی «فصل وصل» از همین مجموعه، دوران اختناق و ظلم و ستم آن روزگار را «فصل کسالت» نامیده است:

چار فصل سال را رسم این نبود  
هیچ فصلی این چنین خونین نبود  
دارد آن فصل کسالت می‌رود  
باز امید اصالت می‌رود  
(همان: ۱۳۵)

قیصر در بیشتر موارد با استفاده از نماد مخصوصاً واژه «شب» به بیان ظلمت، تیرگی و سیاهی آن دوران اشاره میکند:

شب بود و سکوت بود و سوسوی خطر  
می ریخت غبار ترس در کوی خطر  
(همان: ۸۳)

## مبارزه با فساد اجتماعی و اقتصادی

پروین اعتصامی، از جمله شاعران بی بدیلی است که به مسائل سیاسی و اجتماعی زمانه خود توجه ویژه ای داشته است و در اشعار خود نفرت از زمامداری، استبداد و بی عدالتی را گوشزد می کند. وی ریاکاری، رشوه، دروغ و دیگر صفات ناپسند انسان را در اشعارش آورده است و آنرا نکوهش می کند و در مقابل آنها عشق و محبت را به مردم شریف و زحمتکش زمانه اش، پیشنهاد می کند. شعر دزد و قاضی از این نوع است که با این بیت شروع می شود که:

برد دزدی را سوی قاضی عسس  
خلق بسیاری روان از پیش و پس  
(همان: ۹۴)

قیصر امین پور نیز از جمله شاعرانی است که ریاکاری، رشوه و فساد جامعه از چشم ایشان پنهان نمانده است و در جای جای شعرهای ایشان از آن سخن رانده است و همگان را به خویشتن خویش دعوت کرده است و از صفات و رفتار ناپسند نهی نموده است. قیصر امین پور در تک بیت شعر خود به خوبی این موضوع را مطرح کرده است.

ز دین ریا بی نیازم، بنازم  
به کفری که از مذهبم می تراود  
(همان: ۱۱۱)

یکی از مظاهر فساد اجتماعی، تظاهر و ریاکاری زاهدان و محتسبان فاسق و صوفیان سالوس دلق آلوده است که در مسند دین-مداری با اعمال ریایی سعی در اغفال مردم دارند، تا هرآنچه به ظن خود حلال و حرام می پندارند به اطرافیان تحمیل کنند با تأمل در دیوان حافظ می توان دریافت که صوفی و زاهد از مسیر شریعت و محتسب و قاضی از جاده قانون و اخلاق خارج شده اند و از خرقة و تسییح و سجاده و قرآن دام تزویری ساخته اند تا آنگونه که خود می خواهند انسان های ساده لوح را در بند بیم و تطمیع نگه دارند. حافظ برای درهم شکستن مناسبات باطل که به اسم ارزش های اخلاقی و عرفی توسط سالوسورزان رایج شده ست، طنز اجتماعی، مذهبی، فلسفی و سیاسی را به عنوان مؤثرترین حربه بر می گزیند که به طریق غیر مستقیم و کنایه و در پردهای از ابهام و ابهام به تصویر چنین اجتماع متناقض گام برمی دارد. به همین دلیل در طنز حافظ بسامد برخی از کلمات و مفاهیم، که در

# چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

ارتباط با مسائل دینی و اجتماعی است، بسیار بالاست و انتقاد از آن مسائل و مفاهیم و استفاده از حربه طنز و لحن استهزا از ویژگی‌های سبکی شعر اوست (صمیمی و همکاران، ۱۳۹۳: ۱۵۲).

واعظان کاین جلوه در محراب و منبر می کنند چون به خلوت می روند آن کار دیگر می کنند

مشکلی دارم ز دانشمند مجلس باز پرس توبه فرمایان چرا خود توبه کمتر می کنند

(حافظ، ۱۳۸۶: ۱۹۷)

تظاهرات واعظانه و نخوت فروشی این دغل بازان که شمه‌ای از حقیقت به دماغشان نخورده، سبب شده است خواجه رندانه رنگ بازی‌های آنان را به تمسخر گیرد:

گرچه بر واعظ شهر این سخن آسان نشود تا ریا ورزد و سالوس مسلمان نشود

واعظ ما بوی حق نشیند بشنو این سخن در حضورش نیز میگویم نه غیبت میکنم

(حافظ، ۱۳۸۶: ۳۹۷)

پروین اعتصامی در مورد ریا در دیوان خود در شعر زیر چنین می سراید:

هرکه با پاکدلان صبح و مسایی دارد دلش از پرتو اسرار صفایی دارد

زهد با نیت پاک است نه با جامه پاک ای بس آلوده که پاکیزه ردایی دارد

گرگ نزدیک چراگاه و شبان رفته به خواب بره دور از رمه و عزم چرایی دارد

(اعتصامی: ۱۳۷۸: ۱۴۵)

## آزادی خواهی

واژه آزادی بر ترک اسارت، رفع گرفتاری، گسستن بند، دفع قهر و غلبه دیگران، و فروافکندن بار سنگین تکالیف تحمیلی اطلاق می‌شود و از آن، پشت سر نهادن اسارت و انتقال از آن وضعیت به وضعیتی متضاد است. همچنین پی می‌بریم؛ که آزادی تنها به معنای یک حالت و وضعیت نیست، بلکه به معنای سیر، از حالت اسارت به وضعیت آزادی هم می‌باشد.

اگر چه «آزادی» واژه‌ای مقدس، در همه ادیان، مکاتب و فرهنگ‌ها محسوب شده و بنیاد بسیاری از مکتب‌ها بر تحقق وجوه مادی و معنوی آن استوار گشته است؛ اما هر مفهومی، ضد یا نقیض خود را نیز تداعی می‌کند. مفهوم آزادی، ضد خود یعنی استبداد و یا نقیض خود یعنی فساد را به ذهن متبادر می‌کند و ما را درگیر مدار علمی و عملی آشوب‌زده‌ای وارد می‌کند؛ که اگر به راستی و درستی از آن بیرون آییم؛ کار بزرگی انجام داده‌ایم. البته، آزادی در ایده‌ها و فرهنگ‌های مختلف، تعاریف متفاوتی دارد؛ اما می‌توان در لوای این تعاریف به اشتراک‌ها و اصول ثابتی دست یافت و براساس آن، مفهوم جهان‌شمولی از آزادی ارائه کرد. تفاوت اساسی‌ای که در تعریف مکاتب الهی و بشر ساختی از آزادی وجود دارد؛ این است، که آزادی از دیدگاه توحیدی و یا حتی ادیان عرفانی غیرتوحیدی شرق، یک مفهوم وجودی، درونی و جوهری از ماهیت انسان است. آزادی در وجود انسان به ودیعت گذاشته شده است؛ اما گرد و غبار ناراستی‌ها و زنجیر نادرستی‌ها، چهره آن را پلشت و نازیبا ساخته که گاهی به محو آن هم می‌انجامد. در بسیاری از ایده‌ها و

# چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

فلسفه‌های اجتماعی غیردینی، آزادی پدیده‌ای بیرونی و ایجادکردنی است، نه پدیده‌ای ذاتی، درونی و همزاد با بشر. از این رو، ماهیت و واقعیت آزادی مبتنی بر مفاهیم بشر ساخته، خشک، مصنوعی، شکننده، غیرهارمونیک و در بسیاری از موارد کاذب و غیرواقعی می‌باشد. منتسکیو در نیمه قرن هیجدهم می‌نویسد: «هیچ واژه‌ای به اندازه واژه آزادی ذهن مردم را به خود جلب نکرده است و هیچ واژه‌ای هم مانند آزادی به معانی مختلف به کار نرفته است. برای بعضی از مردم، آزادی یعنی اختیار داشته باشند، کسی را که خودشان به او اختیاراتی داده‌اند؛ به محض این‌که خواست؛ از آن اختیار سوءاستفاده کند و ظالم شود؛ خلع کنند. برای عده‌ای دیگر، یعنی بتوانند، کسی را که باید مطیع او باشند خودشان انتخاب کنند. دسته سوم، آزادی را در این می‌دانند؛ که حق داشته باشند؛ مسلح شوند و زور بگویند.» (فارسی، ۱۳۸۲: ۱۰).

منتسکیو درباره آزادی سیاسی یا آزادی در محیط اجتماعی می‌گوید. «آزادی سیاسی این نیست، که هر کس هر چه دلش می‌خواهد؛ بکند. بلکه آزادی آن است، که افراد، آنچه را باید بخواهند، بخواهند و بکنند و آنچه را موظف به خواستن آن نیستند و مجبور نباشند؛ انجام دهند...» با همه بلندای مقام علمیش از تعیین «آنچه افراد باید بخواهند و بکنند» عاجز است و به همین علت، نمی‌تواند با دلیل و استناد به واقعیت رشد و انحطاط آدمی، برتری یک انسان و پست‌شدنش، ادعای کسانی را که می‌گویند: «آزادی سیاسی این است، که هر کس هر چه دلش می‌خواهد، بکند» و «آزادی این است، که حق داشته باشند؛ مسلح شوند و زور بگویند» رد و ابطال کند. مساله اصلی در بحث آزادی، این است، که «آزادی، آزادی انجام چه کاری، و یا شرایط اجتماعی، فرصت توانایی چه کارهایی است؟» آنچه وی در پاسخ به آن می‌تواند بگوید؛ این است، که «آزادی یعنی انسان حق داشته باشد؛ هر کاری را که قانون اجازه داده و می‌دهد؛ بکند و آنچه که قانون منع کرده، مجبور به انجام آن نباشد.» (همان: ص ۱۱).

در نظام‌های مستبد و بیدادگر، خفه کردن فریادها و اعتراضات و جلوگیری از آزادی تفکر و عمل یک قانون است «در چنین نظام‌هایی شکنجه، زندان، خفه کردن فریادهای درگلو، تبعید و ترور، قانون است» (سنگری، ۱۳۷۷: ۳۹). شاعر درواقع گاه این مضمون را به صورت آشکار در شعر خویش استفاده کرده و گاه نیز از نماد و رمز بهره برده است. به عنوان نمونه نسیم شمال فشار و محدودیت حاکم در جامعه خویش را به اشکال گوناگون به تصویر کشیده و گاه نبودن آزادی در جامعه را در قالب یک گفتگوی خیالی بیان کرده است.

دست مزن، چشم بیستم دو دست  
راه مرو چشم دوپایم شکست  
حرف مزن، قطع نمودم سخن  
نطق مکن، چشم بیستم دهن  
(حسینی، ۱۳۶۵: ۲۱)

گاهی نیز به خاطر خشم، ناراحتی و دل‌تنگی از اوضاع آشفته و قید و بندهای حاکم بر قلم‌ها و ترس از عواقب ناشی از بیان واقعیت تلخ وطن و تهدیدهایی که متوجه اوسته، چنین سخن رانده است:

برای یوسف گلچهر در بازار پر وحشت  
اسیر چنگ گرگانم نمی دانم چه بنویسم  
(حسینی، ۱۳۶۵: ۵۹)

در جامعه‌ای که تبعیض و بی‌عدالتی جای عدالت و آزادی را گرفته قلم‌ازاری است برای نوشتن و انعکاس مشکلات جامعه و این در صورتی است که این قلم در اختیار اهل آن قرار گرفته باشد و در مسیر حقیقت باشد. به عنوان مثال سید اشرف‌الدین گیلانی

# چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

از قلم که نماد آزادی است می خواهد که همانند حضرت یوسف در کنج زندان و مانند حضرت یعقوب در بیت الاحزان صبر پیشه کند و چیزی نگوید چراکه در کشوری که آزادی نیست، قلم هیچ جایگاهی ندارد و فریادی که از گلو برآید، هیچ گوشی را نمی نوازد.

ای قلم تا می توانی در قلمدان صبر کن  
همچون یعقوب حزین در بیت الاحزن صبر کن  
یوسف آسا سال ها در کنج زندان صبر کن  
کور شو بیرون نیا از شهر کنعان ای قلم  
(همان: ۱۶۱)

گیلانی هنگامی که حاکمیت زور و نادیده گرفتن حق بیان را می بیند، از مردم جامعه اش می خواهد از اوضاع شکایتی نکنند و یادی از پادشاهان باشکوه گذشته نمایند و از وطن خویش تعریف و تمجید نکنند.

## نتیجه گیری

بررسی یافته ها نشان داد که یکی از شاخصه های مهم تعهد اجتماعی، وطن پرستی است. وطن پرست کسی است که از دل و جان به وطن خود عشق می ورزد و در راه تعالی آن، جانفشانی می کند. در فضای شعری شاعران متعهد، تاریخ گذشته کاملاً محسوس است؛ به طوری که به بدر، احد، کربلا و حتی تاریخ گذشته ایران گریز می زنند. برخلاف شاعران متعهد، گروهی فقط شاعر امروزند، یعنی از دیروز بهره نمی گیرند. آری شاعر متعهد از گذشته بهره گرفت و وفادار به ارزشها و سنت های گذشته ماند. بیگانه ستیزی شاخصه دیگری از تعهد اجتماعی است. شاعران متعهد به دلیل مرام انقلابی و تأثیرپذیری از بن مایه های دینی و فرهنگی و عدم سکوت و بی تفاوتی به وضع موجود، همواره با نگاهی متعهدانه به شعر نگر بسته و بدین وسیله با اعتقاد به رسالت اجتماعی برای خود، در پی تحول و شکل دهی به جریان انقلابی و مقاومت برآمده اند. استقلال طلبی نیز از دیگر شاخصه های تعهد اجتماعی است. استقلال طلبی به معنای طرفدار استقلال میهن است. استقلال طلبی به مفهوم امروزی، برای اولین بار در انقلاب مشروطه طرح شد و نقش مهمی در آزادی سیاسی، داخلی و خارجی و همچنین بقای استقلال ایران داشت. قوم ایرانی مانند دیگر اقوام جهان، در طی حیات پر فراز و نشیب خود در معرض تهدیدات تجاوزات و توفان های مرگبار تاریخی بسیار قرار داشته است، همواره با سلاح برنده ی ادبیات به مقابله ی دشمنان رفته و در برابر آنان سربلند بیرون آمده است. بی تردید شاعران و نویسندگان فارسی زبان، سهم بزرگی از بار عظیم و حفظ استقلال وطن و مقاومت در برابر متجاوزان را بر دوش داشته و یکی از ارکان اصلی سربلندی و بقای ملت در طول تاریخ بوده اند. همچنین دفاع و جهاد نیز از دیگر شاخصه های تعهد اجتماعی است. در سال های دفاع مقدس، شعر به عنوان سلاحی اثرگذار، در صحنه حضور داشت و حماسه ها و مقاومت ها را می ستود و ثبت می کرد. شعر پایداری، فارغ از دلالت های موضوعی، از نظرگاه فلسفی و علوم عقلی به شعری گفته می شود که نتیجه همراهی و هم دلی میهنی یا قومی در برابر هر گونه تجاوزگری بشری است. حفظ منافع ملی شاخصه دیگری از تعهد اجتماعی است. شعر در زندگی فردی و امروزی، فرصتی است گرانبها، اما در برابر آن گاه که این نگرش، وارد زندگی سیاسی و اجتماعی ما شود، زبان های بسیاری را فراهم می آورد که چندان به آن توجه نشده و نمی شود و می تواند ما را در دنیای امروز که همه کشورها با نگاهی ابزاری و سودجویانه تصمیم می گیرند، به ورطه های خطرناکی دراندازد. نگرش ها و سیاست های شاعرانه، دیدگاه هایی هستند که به جای دوراندیشی، خردورزی و ژرفکاوای های سنجیده، به رویکرد احساسی، سطحی، کوتاه مدت و روبنایی می پردازند، در این گستره، دغدغه ها چندان فراگیر و دوراندیشانه نیست و فرد با توجه به امور روزمره، در تلاش است تا تنها دوران چند روزه کاری خود را به پایان برد؛ حال آنکه فراروی از تکرارها، روبناها، سطحی اندیشی ها و رسیدن به خلاقیت، ما را وامی دارد تا به خردورزی، اندیشمندانه بیندیشیم. صلح طلبی، آزادی، تشویق به مبارزه و جهاد،

# چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

مبارزه با فساد اجتماعی و اقتصادی و سیاسی، از برجسته‌ترین مضامین اجتماعی و تعهد اجتماعی است که شاعران و ادیبان از آن غافل نبوده و با توجه به ذوق و تعهد خود در برابر جامعه تلاش نموده اند.

## منابع

- آجودانی، ماشاء الله (۱۳۸۲). یا مرگ یا تجدد دفتری در شعر و ادب مشروطه، تهران: انتشارات آمه، چاپ اول.
- اعتصامی، پروین (۱۳۷۸). کلیات دیوان پروین اعتصامی، به کوشش محمد تقی بابایی (با تغییر قطع) تهران: کتاب نمونه.
- امین پور، قیصر (۱۳۹۳). مجموعه کامل اشعار قیصر امین پور، تهران: انتشارات مروارید.
- بهنام، خدیجه و علیمی، ماندانا (۱۳۹۷). "عناصر بیگانه ستیزی به عنوان تربیت اسلامی برای دانش آموزان در شعر دوره مشروطیت با تکیه بر اشعار ملک الشعرا بهار"، چهارمین کنفرانس بین المللی علوم انسانی و آموزش و پرورش، تهران.
- حسینی، حسن (۱۳۶۵). هم صدا با حلق اسماعیل (مجموعه شعر)، تهران: انتشارات هنری سازمان تبلیغات اسلامی.
- خوشه چرخ آرائی، علی (۱۳۹۷). شعر مقاومت و پایداری، مجله رشد آموزش زبان و ادب فارسی، ۳۲(۲): ۱۶-۲۱.
- درویش، محمود، (۱۳۷۶). دیوان محمود درویش ج ۱ و ۲، بیروت، دارالعودة.
- رسولی، حجت (۱۳۸۳). "معیار تعهد در ادبیات". پژوهشنامه علوم انسانی، ۴۶-۴۵ (ویژه نامه زبان و ادبیات فارسی): ۷۳-۸۲.
- روشندل، جلیل (۱۳۷۴). امنیت ملی و نظام بین المللی، تهران: انتشارات سمت.
- سنگری، محمدرضا (۱۳۷۷)، "ادبیات پایداری"، فصلنامه شعر، ۱۲(۳۹): ۴۵-۵۳.
- صالحی، علی (۱۳۷۷). مهر گردون: مجموعه مقالات و گفتارها ۱۳۵۵-۱۳۷۷، تهران: انتشارات تهران.
- صرفی، محمدرضا (۱۳۹۰). "سخن سردبیر"، نشریه ادبیات تطبیقی، ۵: ۲.
- عجمی، محمدعلی (۱۳۷۷). وقتی عشق انکار می شود (نگاهی به شعر سلمان هراتی)، مجله شعر، ۲۳: ۱۲۲-۱۲۹.
- مسیوق، مهدی و همکاران (۱۳۹۰). "بینامتنی قرآن و حدیث در شعر شیعی طلائع بن زریک"، پژوهش های میان رشته ای قرآن کریم، ۳-۱: ۳۱-۴۰.
- میرجعفری، علی اکبر (۱۳۷۵). حرفی از جنس زمان، تهران: انتشارات قو، چاپ اول.
- نادری، اسماعیل و همکاران (۱۳۹۳). "دغدغه های اجتماعی شعر قیصر امین پور"، فصلنامه پژوهش های ابدی و بلاغی، ۲(۱): ۸۲-۸۹.

# چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and  
Research in Persian culture, language and literature

ویر، ماکس (۱۳۸۰). علم به مثابه حرفه، ترجمه محمد اسکندری، تهران: نشر نی: ۱۷۱.

هراتی، سلمان (۱۳۸۰). مجموعه کامل شعرهای سلمان هراتی، تهران: دفتر شعر جوان، چاپ اول.

همت خواه، رضا؛ باستان، پریسا؛ دارابی، الهه (۱۳۹۶). "اسطوره و قهرمانان اساطیری در شعر بهار"، همایش ملی ملک الشعراء بهار، مشهد.

یزدانی، زینت (۱۳۷۶). زن در شعر فارسی، تهران: انتشارات فردوس.